

رساله ای دربارهٔ اذکار

*

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

سنایش از آن الله است، حمد او را می‌گوییم و از او یاری و آمرزش می‌خواهیم، و از بدی‌های نفس خویش و کارهای ناشایست خود به الله پناه می‌بریم، الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت، و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام الله بر او و بر آل و اصحابش و همهٔ کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند، اما بعد: از جملهٔ میراث علمی شیخ ما محمد بن صالح العثیمین - رحمه الله - آثاری است در زمینهٔ موعظهٔ نیک و موثر که ریشه در علم شرعی دارد و به تقریر عقیدهٔ سلف صالح و بیان آداب شرعی در عبادات و معاملات و سلوک می‌پردازد، و به مبادرت بر انجام اعمال خیر و غنیمت شمردن اوقات با کارهای نیک تشویق می‌کند.

از جملهٔ این آثار، کتابی است که پیش رو دارید و به اذکار و فضیلت و اوقات آن و نصوص اذکار و فواید و ثمرات آن در دنیا و آخرت می‌پردازد و در نوشته‌های ایشان و تالیفاتشان یا در سخنرانی‌ها و خطبه‌ها و دروس علمی پرشمار ایشان پراکنده بود.

از الله تعالی خواهیم که این تلاش را سودمند گرداند و برای آن پذیرش قرار دهد و پاداش آن را چند برابر سازد و مقام و منزلت ایشان را در هدایت یافتگان بالا برد، همانا او شنوا و نزدیک است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، خاتم انبیا و امام متقیان و سرور پیشینیان و آیندگان، پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب او و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

بخش علمی

موسسهٔ خیریهٔ شیخ محمد بن صالح العثیمین

۱۸/۸/۱۴۳۳ هجری قمری

*

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

فصل اول: در بارهٔ فضیلت ذکر به شکل مطلق.

فصل دوم: دربارهٔ فضیلت ذکر مقید به تعداد.

فصل سوم: دربارهٔ فضیلت ذکر مقید به صبح و شام.

فصل چهارم: دربارهٔ فضیلت ذکر مقید به حال خاص، و این بر چند نوع است:

- نوع اول: ذکر خوردن و نوشیدن.

- نوع دوم: ذکر قضای حاجت.

- نوع سوم: ذکر خواب و بیدار شدن و بی‌خوابی و دیدن خواب بد و مانند آن.

- نوع چهارم: ذکر وارد شدن به خانه و خارج شدن از آن و وارد شدن به مسجد.

نوع پنجم: ذکر شخص سختی دیده.

فضل پنجم: اذکار عبادات:

- نوع اول: اذکار وضو.

- نوع دوم: اذکار نماز.

ذکر استفتاح.

ذکر رکوع.

ذکر سجده.

ذکر نشستن بین دو سجده.

اذکار تشهد.

اذکار پس از نمازها.

- نوع سوم: اذکار زکات.

- نوع چهارم: اذکار روزه.

- نوع پنجم: اذکار حج.

فصل ششم: دربارهٔ اذکار عارض (ذکر برای شرایط پیش آمده):

ذکر استخاره.

اذکار سفر.

اذکار سوار شدن بر مرکب.

اذکار پیاده شده در توقفگاه.

ذکر هنگام وارد شدن به شهر یا سرزمین خود.

ذکر رویت هلال.

هنگام وزیدن باد.

هنگام رعد و برق.

هنگام شدید شدن باران.

فضیلت درود بر پیامبر صلی الله علیه و سلم

*

فصل اول:

فضل ذکر الله تعالی به شکل مطلق

ذکر الله تعالی با دل و با زبان و با هر دو امکان پذیر است، و بهترین آن است که دل و زبان برای ذکر یکجا شوند، و شایسته نیست که هنگام ذکر الله عزوجل دچار غفت و سهو شده زیرا روح ذکر همان حضور دل است و ذکر بدون حضور دل مانند بدن بی روح است که جز جسد چیزی نیست و اجر مترتب بر ذکر به شکل کامل به آن تعلق نمی گیرد. بسیاری از مردم الله را ذکر می کنند در حالی که دلشان مشغول افکار بیگانه از ذکر اوست و می بینی با گوش یا چشم مشغول مردم اطراف خود است، و همه اینها منافی کمال ذکر است و مانع از حصول ثواب به شکل کامل می شود.

و بدان که ذکر الله بر دو نوع است؛ عام و خاص:

ذکر عام: هر ذکر است که بنده را به پروردگارش نزدیک سازد، سخن باشد یا کردار یا فکر، حتی مدارس علم و امر به معروف و نهی از منکر و غیر آن.

و ذکر خاص: همان چیزی است که می خواهیم اینجا درباره اش سخن بگویم از جمله تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید و مانند آن.

الله تعالی می فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾ { پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرگزاری مرا به جای آورید و از من ناسپاسی نکنید } [بقره: ۱۵۲]، و الله تعالی می فرماید: ﴿تَبَارَكُ الَّذِي مَنَّا وَذَكَرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ { ای کسانی که ایمان آورده اید، الله را بسیار یاد کنید } [احزاب: ۴۱]، و الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ { به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه های [شکری] برای خردمندان است * [همان] کسانی که الله را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [و می گویند]: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای؛ منزه می تو؛ پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگاه دار } [آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱]، و الله تعالی می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا يُبَدِّلُ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ { کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد الله آرام می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دلها آرام می گیرد * کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، خوشا بر آنان! و سرانجامی نیک دارند } [ز: ۲۸-۲۹]، و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «من نزد گمانی هستم که بنده ام درباره ام دارد، و من با اویم چون مرا یاد کند، پس اگر مرا در نفس خود یاد کند او را در نفس خود یاد کند و اگر مرا در جمعی یاد کند او را در جمعی بهتر از آن یاد خواهم کرد». متفق علیه. و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مثال کسی که پروردگارش را ذکر می کند و کسی که پروردگارش را ذکر نمی کند مانند زنده و مرده است». بخاری آن را روایت کرده است. و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مُفْرَدَانِ سَبَّحْتَهُمَا» گفتند: مُفْرَدَانِ چیست ای رسول الله؟ فرمود: «مردان و زنانی که بسیار الله را یاد می کنند». مسلم آن را روایت کرده است. و از سمره بن جندب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «محبوب ترین سخن نزد الله چهار سخن است: سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله، والله اكبر، و الله اكبر؛ برایم از هر چه خورشید بر آن طلوع کرده محبوبتر است». مسلم آن را روایت کرده است. و از ابومالک اشعری و بحمده، سبحان الله العظيم». بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند. و از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «الحمد لله ترازو [ی اعمال] را پر می کند، و سبحان الله و الحمد لله ما بین آسمان و زمین را پر می کنند». مسلم آن را روایت کرده است. و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «بهره مندترین مردم به شفاعت من در روز قیامت کسی است که خالصانه از دل لا اله الا الله بگوید»: یا: «از نفس خود». بخاری آن را روایت کرده است. و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «آیا تو را به یکی از گنج های بهشت راهنمایی نکنم؟» گفت: آری، فرمود: «لا حول ولا قوة الا بالله» (هیچ نیرو و توانی نیست مگر از سوی الله). مسلم آن را روایت کرده است. و از مُصْعَب بن سعد روایت است که گفت: پدرم مرا چنین حدیث گفت که: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، پس فرمودند: «آیا یکی از شما عاجز است که هر روز هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از هم نشینان از ایشان پرسیدند: چگونه یکی از ما می تواند هزار حسنه به دست آورد؟ فرمود: «صد بار تسبیح می گوید، پس برای او هزار حسنه نوشته می شود، یا از او هزار گناه برداشته می شود». مسلم آن را روایت کرده است.

فصل دوم:

درباره اذکار مقید به عدد

۱- آنچه به صد بار مقید شده است:

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در روز صد بار بگوید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ برای او هم وزن آزاد کردن ده برده است، و برایش صد نیکی نوشته می شود، و صد گناه از او پاک می شود، و در آن روز تا شام برایش حفاظتی در برابر شیطان خواهد بود، و کسی کاری بهتر از او نخواهد آورد، مگر آنکه بیشتر از او انجام داده باشد». متفق علیه. و از وی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، و آن را در روز صد بار تکرار کرد، گناهان او بخشیده می شوند، اگر چه مانند کف دریا باشند». متفق علیه.

۲- آنچه به ده بار مقید شده است:

از ابویوب انصاری - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کسی ده بار گفت: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ همانند کسی است که چهار نفر (برده) از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد». متفق علیه.

۳- آنچه به سه بار مقید شده است:

از ام المؤمنین خویریه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: «پس از تو، چهار کلمه گفته ام که اگر با آنچه تو در طول امروز گفته ای وزن شود، از آنها سنگین تر خواهد بود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزَنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». (تسبیح و پاکی الله و ستایش او را به تعداد مخلوقات او، خشنودی او، و هم وزن عرش او، و جوهر سخنانش، بیان می نمایم). مسلم آن را روایت کرده است. و در روایتی دیگر: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زَنَةَ عَرْشِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ» (تسبیح و پاکی الله و

ستایش او را [انطور که باعث] خشنودی اوست [می گویم]، تسبیح و پاکی الله و ستایش او را هم وزن عرش او [می گویم] و تسبیح و پاکی الله و ستایش او را [به اندازه] جوهر سخنانش، بیان می نمایم».

و جمع بین این دو بهتر است، یعنی سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ» بگوید و سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ رَضًا نَفْسِيهِ» و همینطور بقیه را. ذکر را که مفید به عددی بیش از صد باشد را سراغ نداریم، بنابراین آنچه در کتابهای تالیف شده درباره ذکراری که تا هزار بار گفته می شوند آمده، اصلی ندارد.

اذکاری مفید به غیر این اعداد نیز وارد شده، اما این اذکار یا از جمله اذکار صبح و شام است یا از اذکار نماز یا اذکار پس از نماز یا مانند آن است که آن را در موضعی ذکر خواهیم کرد؛ ان شاء الله.

*

فصل سوم:

درباره ذکر های صبح و شام

الله تعالی می فرماید: ﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ { او بامداد و شامگاه او را به پاکی بستانید} [احزاب: ۴۲]، و الله تعالی می فرماید: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ { او پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی} [طه: ۱۳۰]، و الله تعالی می فرماید: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ { او پروردگارت را در دل خویش با تضرع و ترس، بدون آوای بلند [در] بامدادان و شامگاهان یاد کن و [از یاد الله] غافل نباش} [اعراف: ۲۰۵].

از جمله آن:

۱- خواندن آغاز سوره بقره: ﴿الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ { الف لام میم * این کتابی است که هیچ تردیدی در [الهی بودن] آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است * آن کسانی که [در نهان و آشکار] به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند * و آن کسانی که به آنچه بر تو و [بر پیامبران] پیش از تو نازل شده ایمان می آورند و به روز رستاخیز یقین دارند * آنان از جانب پروردگارش از هدایتی برخوردارند و آنان قطعاً رستگارند} [بقره: ۱-۵]. ۲- آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ { الله [معبود راستین است]؛ هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زنده پاینده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا می گیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمایش شفاعت کند؟ گذشته و آینده آنان [بندگان] را می داند و [انان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی یابند، مگر آنچه خود بخواهد. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او بلندمرتبه [و] بزرگ است} [بقره: ۲۵۵]، از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که [جم] سوره مؤمن را تا [آیة المصیر] و آیه الکرسی را هنگام صبح بخواند با آنها تا شام حفظ خواهد شد و کسی که این دو را هنگام شام بخواند با آنها تا صبح حفظ خواهد شد». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی غریب است. می گویم: روایت بخاری از ابوهریره رضی الله عنه نیز شاهد این حدیث است که داستانی را در خود دارد و در آن آمده است: چون به رختخواب رفتی آیه الکرسی را بخوان زیرا همواره بر تو محافظی از سوی الله خواهد بود و تا صبح شیطانی به تو نزدیک نخواهد شد. ۳- قرائت دو آیه پایانی سوره بقره: ﴿الْمَن الرُّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ { [رسول] [الله] به آن چه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [تیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش ایمان آورده اند؛ [و سخنشان این است که]: میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی گذاریم [و] به همه ایمان داریم]. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آموزش تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست * الله به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده است به سود اوست و آنچه [بدی] کسب کرده است به زیان اوست. [پیامبران و مؤمنان گفتند]: پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بار گران [و تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار، چنان که آن را [به مجازات گناه و سرکشی] بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند [یعنی یهودیان] نهادی. پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر [دوش] ما مگذار و ما را بیامرز و به ما رحم کن. تو یار [و کارساز] مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان} [بقره: ۲۸۵-۲۸۶]، از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند او را کفایت می کنند». متفق علیه. ۴- خواندن [جم] * تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم * غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا هو [إليه المصير] {حامیم * نزول [این] کتاب، از سوی الله شکست ناپذیر داناست. [پروردگاری که] آمرزنده گناه و توبه پذیر، سخت کيفر و نعمت بخش است؛ هیچ معبودی [به حق] جز او نیست و بازگشت [همه] به سوی اوست} [غافر: ۱-۳].

۵- قرائت سه آیه پایانی سوره حشر:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ { او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشنده مهربان است * او الله است که معبودی [به حق] جز او نیست؛ [اوست] فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، تصدیق کننده [پیامبرانش]، مراقب [اعمال بندگان]، قدرتمند شکست ناپذیر، شکوهمند و شکست دهنده مطلق، والامقام و شایسته عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می آورند، پاک و منزّه است * او الله است، خالق، نوآفرین، نقش بند [بی نظیر] برای او نام های نیک است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند، و او پیروزمند حکیم است} [حشر: ۲۲-۲۴]،

از معقل بن یسار - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هر کس هنگام صبح سه بار بگوید: اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، و سه آیه پایانی سوره حشر را بخواند الله هفتاد هزار ملائکه را بر او موکل می سازد که تا هنگام شام بر او درود بفرستند (دعا کنند) و اگر آن روز از دنیا برود شهید از دنیا رفته و کسی که هنگام شام چنین کند چنین منزلتی خواهد داشت».

به روایت احمد.

۶- خواندن سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ سه بار از عبدالله بن حُباب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به او فرمودند: «بگو» گفت: چه بگویم؟ فرمود: «سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و معوذتین را هنگام شام و صبح سه بار بگو تا تو از هر چیزی کفایت کنی». به روایت ابوداؤد و نسائی و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است.

۷- سه بار گفتن «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (پناه می برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده است).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله، چه دردی کشیدم از عقربی که دیشب مرا گزید! فرمود: «در صورتی که هنگام شام می گفتی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، زبانی به تو نمی رساند». مسلم آن را روایت کرده است.

۸- سه بار گفتن «بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و آسمان زبانی نمی رساند، و اوست شنوای بیبا).

از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بنده ای نیست که صبح هر روز و شام هر شب سه بار بگوید: بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، از چیزی زبان نخواهد دید». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن صحیح است. و ابوداؤد نیز آن را با این لفظ روایت کرده است: «بِإِلَى نَاكِهَانِي بِهِ أَوْ نَخَوَاهُ رَسِيدٌ».

۹- سه بار گفتن: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا» (به پروردگاری الله و به اسلام به عنوان دین و به پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم خشنود شدم).

از ثوبان - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که هنگام شام بگوید: رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا، این حق است بر الله که او را خشنود سازد». به روایت ترمذی و نزد ابوداؤد و دیگران [به جای وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا] چنین آمده که: «وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا».

۱۰- «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلَكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكَبِيرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ» (ما و تمام جهانیان، شب را برای الله به صبح رساندیم؛ و حمد و ستایش از آن الله است؛ هیچ معبود بر حق جز الله که یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد. پروردگارا، از تو خیر آنچه در این روز و آنچه بعد از این روز است را می طلبم و از شر آنچه در این روز و بعد از آن است به تو پناه می جویم. پروردگارا، من از تنبلی و کسالت و ضعف و بدحالی کهنسالی به تو پناه می برم. پروردگارا، به تو پناه می برم از عذاب آتش دوزخ و عذاب قبر).

و در هنگام شام به جای «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ» می گوید: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ»، و به جای «هَذَا الْيَوْمِ» می گوید: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ».

از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام شام می فرمودند: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكَبِيرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ» (ما و تمام جهانیان، روز را برای الله به شب رساندیم؛ و حمد و ستایش از آن الله است؛ هیچ معبود بر حق جز الله که یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد. پروردگارا، از تو خیر آنچه در این شب و آنچه بعد از این شب است، می طلبم و از شر آنچه در این شب و بعد از آن است به تو پناه می جویم. پروردگارا، من از تنبلی و کسالت و ضعف و بدحالی کهنسالی به تو پناه می برم. پروردگارا، به تو پناه می برم از عذاب آتش دوزخ و عذاب قبر). و چون صبح می کرد می فرمود: «أَصْبَحْنَا، وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ...». مسلم آن را روایت کرده است.

۱۱- «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ» (خداوند با [باری و حول و قوه و نعمت تو] شب را به صبح رساندیم و با تو صبح را به شب رساندیم، و با [نام] تو زندگی می کنیم و با [نام] تو می میریم و رستاخیز [ما] به سوی توست). و در شام می فرمود: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (خداوند با [نعمت و حول و قوه تو] صبح را به شب رساندیم و با تو شب را به صبح و با [نام] تو زندگی می کنیم و با [نام] تو می میریم و فرجام به سوی توست).

زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه شب را به صبح می رساندند می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ»، و چون صبح را به شام می رساندند می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ». این از روایتی نزد ابوداؤد و ترمذی و ابن ماجه است.

و در روایتی دیگر آمده که ایشان اصحاب خود را امر می کردند که چنین بگویند.

۱۲- «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ، أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ» (خداوند هر نعمتی که در این صبحگاه به من یا کسی از خلق تو رسیده تنها از توست که شریکی نداری، پس حمد و شکر از آن توست). و به هنگام شام [به جای مَا أَصْبَحَ بِي] می گوید: «مَا أَمْسَى بِي».

زیرا از عبدالله بن غَمام - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که هنگام صبحگاه بگوید: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ، أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، شکر آن روز را به جا آورده و کسی که این را به هنگام شام بگوید شکر شبش را به جا آورده است». این حدیث را ابوداؤد با سندی جید که آن را ضعیف ندانسته روایت کرده است. این را [نوی] در کتاب الأذکار گفته است.

۱۳- سه بار گفتن: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسَبْرٍ فَأَتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ وَسَبْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (ای الله من در نعمت و عافیت و پوششی از تو شب را به صبح رساندم، پس نعمت و عافیت و سبب خود را در دنیا و آخرت بر من کامل گردان) و در هنگام شام [به جای اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ] می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ...».

زیرا از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکه هنگام صبح سه بار بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسَبْرٍ فَأَتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ وَسَبْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، و این را هنگام صبح و شام بگوید، بر الله حقی است که نعمتش را بر او کامل گرداند». به روایت ابن السنی.

۱۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ» (یا الله من از غم و دلمشغولی به تو پناه می آورم و از ناتوانی و تنبلی به تو پناه می آورم، و از بزدلی و بخل به تو پناه می آورم، و از غلبه بدهکاری و قهر و تسلط مردان به تو پناه می آورم).

زیرا از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به یکی از مردان انصار فرمودند: «آیا به تو سخنی را یاد ندهم که اگر آن را بگویی الله عزوجل نگرانی ات را از بین می برد و قرضت را از تو برداخت می کند؟» گفت: آری یا رسول الله. فرمود: «هنگام صبح و هنگام شام بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ». به روایت ابوداود.

۱۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمَنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» (بار الها، عافیت و تندرستی در دین و دنیا و خانواده و مال را از تو می خواهم؛ بار الها، عیب هایم را ببوشان و هراس هایم را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل کن و مرا از جلو و پشت سر و از راست و چپ و از بالا حفاظت نما؛ به عظمت تو پناه می برم که از زیر پایم ربوده [و دچار لغزش] شوم).

زیرا از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعاها را هنگام شام و هنگام صبح ترک نمی کردند: ۱۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمَنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» به روایت ابوداود و نسائی و ابن ماجه. حاکم می گوید: این حدیث صحیح است.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (بار الها، تو پروردگار من هستی؛ هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد؛ تو، مرا آفریده ای و من بنده توام و در حد توانم بر عهد و پیمانی که با تو بسته ام، پایبندم و به نوبدی که داده ای، یقین دارم. از شر اعمال خویش به تو پناه می آورم و به نعمت هایی که به من داده ای، اعتراف می کنم و به گناهان خویش اقرار دارم؛ پس مرا بیماریز که کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد).

زیرا از سَدَاد بن أَوْس - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بزرگترین دعای طلب آمرزش این است که بگویی: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. کسی که این را به هنگام روز از روی یقین بگوید و همان روز پیش از شام از دنیا برود از اهل بهشت است و کسی که شب هنگام و از روی یقین آن را بگوید و پیش از صبح از دنیا برود از اهل بهشت است» بخاری آن را روایت کرده است.

۱۷- «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكِهِ، وَأَنْ أَقْتَرَفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا، أَوْ أُجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ» (بار الها ای آفریدگار آسمان ها و زمین، آگاه به آشکار و نهان؛ پروردگار و مالک همه چیز؛ گواهی می دهم که معبود بر حقی جز تو نیست؛ به تو پناه می آورم از شر نفسم و شر شیطان و شرک او. از اینکه به خودم بد کنم - و مرتکب گناه شوم- یا از اینکه به مسلمانی بد کنم، به تو پناه می آورم).

زیرا از ابوهیره - رضی الله عنه - روایت است که ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فرمود: ای رسول خدا مرا به گفتن کلماتی امر کن که هنگام صبح و شام بگویم. فرمود: «بگو اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكِهِ» [۱] به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است.^۱

و ابوداود به نقل از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - افزوده است: «وَأَنْ نَقْرَفَ سُوءًا عَلَى أَنْفُسِنَا، أَوْ نُجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ» (و اینکه در حق خود بدی کنیم یا آنکه به مسلمانی بد کنیم).

۱۸- چهار بار بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ» (پروردگار من [در این] صبحگاه تو را و حاملان عرش تو را و ملائکه تو و همه آفریدگانت را شاهد می گیرم که تویی آن الله که معبودی [به حق] جز تو نیست و اینکه محمد بنده و پیامبر توست) و در هنگام شام [به جای اللهم انی اصبحت] بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ...». زیرا از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کس هنگام صبح یا شام بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ؛ الله یک چهارم او را از دوزخ نجات می دهد و کسی که آن را دو بار بگوید الله نیمی از او را از دوزخ آزاد می کند و کسی که آن را سه بار بگوید الله سه چهارم او را از دوزخ آزاد می کند پس اگر آن را چهار بار بگوید الله او را از آتش دوزخ آزاد خواهد کرد» نووی می گوید: ابوداود آن را با سندی جید روایت کرده و تضعیفش نکرده است.

۱۹- صد بار گفتن: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» به هنگام صبح یا شام.

۲۰- هفت بار گفتن: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (الله برایم کافی است همان ذاتی که معبود برحق جز او نیست، فقط بر او اعتماد کرده ام، و او سبحانه پروردگار عرش بزرگ است).

۲۱- «حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مَرْمَى» (الله برایم کافی است و بس، و الله آنکه دعایش را کند می شنود، و در وراى الله هدفی نیست).

۲۲- صد بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» در صبح یا شام یا در هر دو هنگام.

زیرا از ابوهیره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که به هنگام صبح و شام صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ بگوید کسی در روز قیامت بهتر از آنچه او آورده نخواهد آورد مگر آنکه همانند او یا بیشتر از او گفته باشد». مسلم آن را روایت کرده است.

۲۳- صد بار گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

۲۴- از عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که صبح هنگام بگوید: {سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ} [سوره روم: ۱۷] (پس الله را به پاکی ستایش کنید، آنگاه که به شب درمی آید و آن دم که به صبح می رسید * و عصرگاهان و هنگامی که به نیم روز می رسید) هرآنچه آن روز از دست داده را به دست می آورد و هر که هنگام شام آن را بگوید هرآنچه شبش از دست داده را به دست می آورد» به روایت ابوداود و بخاری آن را ضعیف دانسته است.

و از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «هرگاه کسی از شما شب را به صبح رساند بگوید: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ؛ فَتَحَهُ وَنَوَّرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ، وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ»

[۱] به کسر شین و سکون راء (شکره) بر وزن «فعللة» یعنی آن شرکی که شیطان بدان فرا می خواند. این کلمه به فتح شین و راء هم روایت شده^۱ (شکره) بر وزن سَبَّه، یعنی توها و دام های شیطان. (مؤلف)

(در حالی صبح نمودیم که ملک از آن الله پروردگار جهانیان است، بارالها من از تو خیر این روز را می خواهم و گشایش و پیروزی و نور و برکت و هدایتش را و به تو پناه می برم از شر آنچه در آن است و شر بعد آن) سپس هر گاه شام شد مانند آن بگوید: «به روایت ابوداود با سندی که آن را ضعیف ندانسته است. ۲۶- و از عبدالرحمن بن ابوبکره از پدرش روایت است که او به پدرش گفت: پدرم، من بسیار از تو می شنوم که این دعا را می گویی: «اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (الها مرا در بدنم عاقبت ده، الها مرا در بینایی ام عاقبت ده، الها من از کفر و فقر به تو پناه می آورم، الها من از عذاب قبر به تو پناه می آورم، معبودی [به حق] جز تو نیست) و این را سه بار هنگام صبح و سه بار هنگام شام می گویی؟ گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که اینگونه دعا می کرد و دوست دارم که بر اساس سنت او رفتار کنم. به روایت ابوداود. ۲۷- و از یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعا را یاد می دادند و می فرمودند: «هنگام صبح بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ (پاک و منزله است الله و ستایش او را می گویم، نیرویی نیست مگر با [باری] الله، آنچه الله بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود) کسی که صبح اینها را بگوید تا شام حفظ می شود و کسی که هنگام شام اینها را بگوید تا صبح محافظت می شود». به روایت ابوداود. ۲۸- و از انس - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به فاطمه فرمودند: «چه مانع می شود که توصیه مرا گوش فرا دهی و هنگام صبح و شام بگویی: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَا تَكُنْ لِي فِي نَفْسِي طَرَفَةٌ عَيْنٌ». به روایت ابن السنی. ۲۹- و از ابودرداء - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که این را در آغاز روز بگوید تا شام به او مصیبتی نمی رسد و کسی که آن را در پایان روز بگوید تا صبح به او مصیبتی نمی رسد؛ بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْنَاكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيئِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». (خداوند تو پروردگار منی، معبودی [به حق] جز تو نیست، بر تو توکل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی، هر چه الله بخواهد می شود و هر چه نخواهد نمی شود، نیرو و توانایی نیست مگر از سوی الله والای بزرگ، می دانم که الله بر هر چیزی تواناست و اینکه علم الله هر چیزی را در بر گرفته است. خداوند من از شر نفس خود و از شر هر جنبه ای که پیشانی اش به دست توست به تو پناه می آورم، پروردگارم بر راه راست است). به روایت ابن السنی.

*

فصل چهارم: درباره ذکر مقید به یک حالت خاص

که بر چند نوع است:

نوع اول: ذکر خوردن و نوشیدن و پوشیدن:

شایسته مؤمن است که هنگام خوردن و نوشیدن و پوشیدن نعمت الله را که اینها را برایش فراهم ساخته و حلال ساختنش را در دنیا و خالص ساختنش را در آخرت به یاد آورد؛ زیرا الله تعالی این نعمت را بر بسیاری از مردم حرام ساخته است، که این یا تحریم شرعی است مانند کافران و منافقان که اگرچه از نعمت ها بهره می برند اما در روز قیامت برای آن بازخواست و محاسبه می شوند، زیرا حق تعالی می فرماید: ﴿قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ [بگو این [نعمت] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [و اگر چه کافران نیز از آنها بهره مندند]، روز قیامت، مخصوص [مؤمنان] خواهد بود] [اعراف: ۳۲]، و این سخن حق تعالی که: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا﴾ [بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ [البته] در صورتی که تقوا پیشه کنند] [مائده: ۹۳]، و یا این تحریم، تحریم قدری است یعنی دستیابی به آن را برایشان میسر نساخته و یا میسر ساخته اما به دلیل بیماری و عوامل مانند آن نتوانسته اند به آن دست یابند. همچنین شایسته است ذکر وارده در این مورد را بگوید یعنی در آغاز خوردن و نوشیدن بگوید: «بسم الله» و هنگام پایانش بگوید: «الحمد لله». زیرا از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما چیزی خورد نام الله را به یاد آورد (بسم الله بگوید) پس اگر در آغاز یادش رفت که نام الله را بگوید [هر گاه یادش آمد] بگوید: بِسْمِ اللَّهِ أَوْلَهُ وَآخِرَهُ». به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است. و نام بردن از الله هنگام خوردن و نوشیدن به دلیل امر پیامبر صلی الله علیه وسلم واجب است. و به دلیل آنکه اگر بسم الله نکوید شیطان شریک غذای او می شود، بنابر حدیث خذیفه - رضی الله عنه - که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شیطان [خوردن از] غذا را در صورتی که نام الله بر آن برده نشود [برای خود] حلال می داند». مسلم آن را روایت کرده است. و از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «همانا الله متعال از بنده ای که خوردنی بخورد، و الحمد لله بگوید، یا نوشیدنی بنوشد، و الحمد لله بگوید، خشنود می شود». مسلم آن را روایت کرده است. و از ابوامامه - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ، وَلَا مُوَدَّعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ رَبَّنَا» (حمد و ستایش بسیار، خالص و پاک از آن الله پروردگار ماست که نیازمند هیچ یک از مخلوقاتش نیست و هرگز [از سوی بندگان] ترک نمی شود و انسان از او بی نیاز نیست). بخاری آن را روایت کرده است. و از معاذ بن انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که غذایی را بخورد سپس بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ [ستایش از آن الله است که این [غذا] را به من خوراند و آن را بدون توان و قدرتی از سوی خودم به من روزی داد] گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». به روایت ابوداود و ابن ماجه و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن است. و از مردی که هشت سال خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم را می کرد روایت است که وی می شنید هر گاه غذایی را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم می آوردند می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، و چون از خوردن غذا فارغ می شدند می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَطْعَمْتُمْ وَأَسْقَيْتُمْ، وَأَغْنَيْتُمْ، وَأَقْنَيْتُمْ، وَهَدَيْتُمْ، وَأَحْيَيْتُمْ، فَالْحَمْدُ عَلَى مَا أَعْطَيْتُمْ» (خداوند خوراندی و نوشاندی و بی نیاز کردی و بخشیدی و هدایت کردی و زنده ساختی، پس برای هر آنچه عطا کردی تو را ستایش می گویم). به روایت نسائی. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: هرگاه پیامبر لباسی جدید تهیه می کرد آن را اگر عمامه بود یا پیراهن یا ردا نام می برد و سپس می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ، وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ» (بارالها تو را ستایش گویم که تو این را بر من پوشاندی، از تو خیر آن را می خواهم و خیر آنچه برایش ساخته شده و به تو از شر آن پناه می برم و شر آنچه برایش ساخته شده). به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن است. و از معاذ بن انس - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که غذایی را بخورد سپس بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ [ستایش از آن الله است که این [غذا] را به من خوراند و آن را بدون توان و قدرتی از سوی خودم به من روزی داد] گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». به روایت ابن السنی.

نوع دوم: ذکر برای قضای حاجت:

خارج شدن فضلات غذا و آب و هوا از نعمت هایی است که الله به بنده اش ارزانی داشته و شایسته شکر است، و از آنجایی که محل قضای حاجت به دلیل خبثات و ناپاکی اش محل شیاطین است و ناپاکی ها برای ناپاکان است، پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام وارد شدن به این اماکن دعاهایی می کرد که مناسب آن بود.

از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه می خواستند وارد خلا شوند می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ» (بار الها از شر شیاطین نر و ماده، [یا هر پلیدی و ناپاکی دیگر] به تو پناه می برم). متفق علیه.

عمری نیز این حدیث را از طریق عبدالعزیز بن مختار با این لفظ روایت کرده است که:

«هر گاه وارد خلا شدید بگویید: بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ».

سند او بنا بر شرط مسلم صحیح است. این را [حافظ ابن حجر] در فتح الباری (۱/۲۴۴) گفته است.

عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که از خلا بیرون می آمدند می گفتند: «غُفْرَانُكَ» (مغفرت تو را خواهانم). به روایت پنج [امام] به جز نسائی. و از انس - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که از خلا بیرون می آمدند می گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي» (ستایش الله را که آزار را از من دور ساخت و مرا عافیت بخشید). به روایت ابن ماجه.

نوع سوم: اذکار خواب:

اذکار پیش از خواب:

۱- در داستان ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و سلم محافظت از اموال زکات را به ایشان سپرده بود آمده که، به ابوهریره گفته شد: چون به رختخواب رفتی آیه الکرسی را بخوان زیرا همواره بر تو محافظی از سوی الله خواهد بود و تا صبح شیاطینی به تو نزدیک نخواهد شد، پس پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «او بسیار دروغگوست اما به تو راست گفت». بخاری آن را روایت کرده است. ۲- و از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هر شب هنگام رفتن به رختخواب دستانش را جمع می کرد و سپس در آن می دمید و این [سوره ها] را می خواند: {الْإِخْلَاصُ: ۱}، {الْفَلَقُ: ۱}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} [الناس: ۱]، {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} [إخْلَاصُ: ۱]، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ} [فَلَق: ۱]، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} [ناس: ۱]، سپس با دستانش هر جای بدنش را که می توانست مسح می کرد و از سر و چهره و سپس بخش جلوی بدن آغاز می کرد و این را سه بار انجام می داد. متفق علیه. ۳- و از انس - رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه به بستر می رفتند می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَنَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤَيِّ» (حمد و ستایش ویژه الله است که ما را خوراک و آب داد و کفایت کرد و پناهمان داد؛ چه بسیار کسانی که نه کفایت کننده ای دارند و نه پناه دهنده ای). به روایت مسلم و ابوداود و ترمذی. ۴- و از ابوهریره - رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه به بستر می رفتند می فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، أَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ، وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ» (ای الله، ای پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بزرگ، ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز، ای شکافنده دانه و هسته و نازل کننده تورات و انجیل و فرقان، از شر هر آنچه تحت قدرت و سلطه توست به تو پناه می آورم. خداوند تویی آن اول که پیش از تو چیزی نیست و تویی آن آخر که پس از تو چیزی نیست و تویی آن آشکار که بالاتر از تو چیزی نیست و تویی آن باطن که چیزی از [علم و قدرت و سمع و بصر و دیگر صفات] تو پنهان نیست [و چیزی نزدیک تر از تو نیست]، قرض ما را ادا کن و ما را از فقر بی نیازی عطا کن). به روایت مسلم و ابوداود. ۵- و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما به رختخواب رفت، رختخوابش را با داخل ازارش بتکاند (تمیز کند) زیرا او نمی داند که پس از او چه آنجا بوده است، سپس بگوید: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتَ جَنَبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» (به نام تو پروردگارم پهلویم را [بر رختخواب] می گذارم و به نام تو آن را بلند می کنم، اگر جانم را گرفتی پس آن را مورد رحمت خود قرار ده و اگر رهائش ساختی آن را با آنچه بندگان صالحت را حفظ می کنی، حفظ کن). به روایت بخاری و مسلم.

و در روایتی دیگر از آنها لفظ «فَاغْفِرْ لَهَا» آمده است و اسماعیل بن امیه این دو را با هم یکجا آورده است چنانکه در فتح الباری (۱۳/۳۸۰) آمده است.

و در روایتی نزد بخاری آمده که: «سه بار با لباسش آن را بتکاند».

و نزد مسلم آمده که: «با آن رختخوابش را بتکاند و نام الله را ببرد زیرا که او را نمی داند».

۶- و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که ایشان مردی را امر کردند که هرگاه به رختخواب می رود بگوید: «اللَّهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِي، وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا، إِنَّ أَحْبَبْتَهَا فَاخْفِظْهَا، وَإِنْ أَمْتَهَا فَاغْفِرْ لَهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ» (بار الها تو جان مرا آفریدی و تو آن را می ستانی، مرگ و زندگی اش برای توست، اگر آن زنده نگه داشتی پس آن را حفظ کن، و اگر آن را میراندی آن را بیامرز، بار الها من از تو عافیت را خواهانم). و ابن عمر بیان کرده که این را از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده است. به روایت مسلم. ۷- و از حفصه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هر گاه می خواست بخوابد دست راستش را زیر گونه اش می گذاشت، سپس می فرمود: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ» (بار الها مرا از عذاب خود در روزی که بندگان را برانگیخته می سازی حفظ کن). به روایت ابوداود و ترمذی و ابن روایت چنانکه وی در «الآداب» گفته حسن است.

۸- و از علی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم خطاب به ایشان و فاطمه - رضی الله عنها - فرمودند:

«هرگاه به رختخواب رفتید سی و سه بار تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار الحمد لله بگوید که این برای شما بهتر از خدمتکار است».

و در روایتی سی و چهار بار تکبیر آمده است.

۹- و از حذیفه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم هر گاه شب به رختخواب می رفتند دست خود را زیر گونه می گذاشتند سپس می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أُمُوتُ وَأَحْيَا» (بار الها به نام تو می میرم و زنده می شوم) و چون بیدار می شد می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ستایش خاص الله است که ما را پس از آن میراند زنده کرد و زنده شدن پس از سناخیز به سوی اوست). به روایت بخاری.

و این روایت نزد مسلم از براء - رضی الله عنه - آمده است.

۱۰- و از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه به رختخواب می رفت بر پهلوی راست خود می خوابید و سپس می فرمود: «اللَّهُمَّ اسْلُمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ

وَلَا مُنْجِي مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، أَمَنْتُ بِكَتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتُمْ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أُرْسَلْتُ» (بارالها من جان خود را به تو سپردم و رویم را به سوی تو نمودم و کارم را به تو موکول کردم و پناهم را به تو دادم [و این] از روی رغبت و رهبت به تو است، پناهگاهی و نجاتگاهی از تو نیست مگر به سوی خودت، به کتابت که نازل کردی ایمان آوردم و به پیامبری که فرستادی ایمان آوردم). بخاری آن را روایت کرده است. وی [یعنی بخاری] و مسلم از براء - رضی الله عنه - روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به ایشان فرمودند: «هرگاه خواستی به رختخواب بروی چنانکه برای نماز وضو می سازی وضو بساز سپس بر پهلوی راستت بخواب سپس بگو...» و همانند آن را بیان کرد و فرمود: «این ها را آخرین سخنانت بگردان، پس اگر آن شب از دنیا رفتی در حال فطرت از دنیا رفته ای.» و در روایتی آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را به این کار امر کرد و افزود: «و اگر صبح کردی، خیری را به دست آورده ای.»

اذکار پس از برخاستن از خواب:

۱- از حذیفه بن یمان - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام برخاستن از خواب می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ستایش مخصوص الله است که ما را پس از آنکه می راند، زنده گرداند و رستخیز به سوی اوست). بخاری آن را روایت کرده است.

و این روایت نزد مسلم از براء - رضی الله عنه - آمده است.

۲- و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «هرگاه کسی از شما برخاست بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ» (ستایش ویژه الله است که روحم را به من بازگرداند و مرا در بدنم عافیت بخشید و اجازه داد ذکر او گویم). به روایت ابن السنی. وی در «الأذکار» می گوید: با سند صحیح، و ترمذی از حدیث وی روایت کرده و گفته است: حدیثی است حسن. ۳- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که وی شبی را نزد خاله اش میمونه - رضی الله عنها - همسر سول الله صلی الله علیه وسلم گذراند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خوابیدند تا آنکه شب به نیمه رسید، یا کمی قبل یا کمی بعد از آن، از خواب بیدار شده، با دستانتش خواب را از چهره اش پاک کرد - و در روایتی دیگر: نشست و به آسمان نگاه کرد - سپس ده آیه پایانی سوره آل عمران را خواند... تا پایان حدیث بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند. ۴- و از عباده بن صامت - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که شب از خواب بیدار شود و بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، الحمد لله، وسبحان الله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، ولا حول ولا قوة إلا بالله» سپس بگوید: «اللهم اغفر لي» یا دعا کند، مورد اجابت قرار می گیرد، و اگر وضو بگیرد و نماز بخواند نمازش قبول می شود». بخاری آن را روایت کرده است.

اذکار به هنگام بی خوابی:

احادیث این باب ضعیف است، از جمله:

۱- از زید بن ثابت - رضی الله عنه - روایت است که گفت: بی خوابی ام را به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شکایت بردم، پس فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ غَارِبِ النَّجُومِ، وَهَادِئِ الْعُيُونِ، وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، أَهْدِنِي لَيْلِي، وَأَنْمِ عَيْنِي» (بارالها ستارگان افول کردند و چشم ها آرام گرفتند و تویی آن زنده برپا دارنده که چرت و خوابی تو را فرو نمی گیرد، ای زنده و ای برپا دارنده، شبم را آرام گردان و چشماتم را بخوابان) پس این را گفتم و الله عزوجل آنچه از آن رنج می بردم را از من برطرف ساخت. به روایت ابن السنی. ۲- همچنین ترمذی با سندی ضعیف از خالد بن الولید - رضی الله عنه - روایت کرده که وی از بی خوابی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت برد، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «چون به بستر رفتی بگو: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَمَتْ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَمَتْ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَمَتْ، كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ، أَوْ يَبْغِيَ عَلَيَّ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ تَنَائُؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (بارالها ای پروردگار هفت آسمان و آنچه بر آن سایه افکنده اند و پروردگار زمین ها و آنچه حمل می کنند و پروردگار شیاطین و آنچه گمراه کرده اند از شر همه آفریدگانت پناه من باش تا آنکه مبادا یکی از آنها به من آسیبی برساند یا سرکشی کند، پناه تو گرامی است و ثنای تو والاست و خدایی جز تو نیست و معبودی [به حق] نیست جز تو).

ذکر هنگام ترسیدن در خواب:

احادیث این باب ضعیف است، از جمله:

روایت احمد و ترمذی از طریق عمرو بن شعيب از پدر بزرگش که می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنانی را به ما یاد می داد که هنگام وحشت در حال خواب (پس از خواب) بگوییم: «باسم الله، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَخْضُرُونَ» (به نام الله، پناه می برم به کلمات کامل الله از خشم او و مجازات او و شر بندگانش و از وسوسه های شیاطین و [پناه می برم به او از اینکه] نزد من حاضر شوند).

و نزد ابن السنی آمده که مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت برد که در خوابش دچار وحشت می شود، پس به ایشان فرمودند: «هرگاه به رختخواب رفتی بگو...» و مانند روایت پیشین را آورده است.

ذکر هنگامی که که رویایی ببینید که آن را دوست دارد یا دوست ندارد:

از ابوسلمه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: من رویاهایی می دیدم که مرا بیمار می ساخت پس ابوقتاده را دیدم و [این را به او گفتم] گفت: من نیز رویاهایی می دیدم که مرا بیمار می کرد، تا آنکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «روایای صالح - و نزد بخاری: با لفظ رویای نیک - از سوی الله است، پس هر گاه کسی از شما رویایی دید که دوست دارد آن را به کسی نگوید جز آنان که دوست دارد، و اگر آنچه دید که دوست ندارد سه بار به سمت چپش آب دهان بیندازد و از شیطان و شر او به الله پناه ببرد و آن را به کسی بازگو نکند که زیانی به او نخواهد رساند». متفق علیه.

و نزد مسلم آمده است که: «اگر رویای نیک دید بشارت دهد و جز به کسی که دوستش دارد نگوید».

و همچنین نزد مسلم آمده که: «[اگر خواب بد دید] هنگامی که از خواب بیدار شد سه بار به سمت چپش آب دهان بیندازد».

و نزد او از قتاده - رضی الله عنه - روایت است که گفت: همان که این حدیث را شنیدم دیگر به آن (یعنی به خواب های بد) توجهی نمی کنم.

و نزد بخاری از حدیث ابوسعید - رضی الله عنه - آمده است: «هر گاه کسی از شما رویایی دید که آن را دوست دارد آن از سوی الله است پس الله را حمد گوید و آن را بازگو کند». و نزد مسلم از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - آمده است: «رویا بر سه نوع است: رویای نیک که بشارتی است از سوی الله، و رویایی از سوی شیطان برای غمگین ساختن، و رویایی بر اساس آنچه افکاری که شخص در خود دارد، پس اگر کسی از شما چیزی را دید که دوست ندارد نماز بگذارد و از آن با مردم نگوید». و نزد وی از حدیث جابر - رضی الله عنه - آمده است: «آنکه رویایی دیده که برایش ناخوشایند است سه بار به سمت چپش آب دهان اندازد و سه بار از شیطان به الله پناه ببرد (اعوذ بالله بگوید) و به پهلوی دیگر بخوابد».

نوع چهارم: ذکر خارج شدن از خانه و وارد شدن به آن:

هنگام بیرون رفتن از خانه:

۱- از عثمان بن عفان - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مسلمانی نیست که از خانه اش به قصد سفر یا قصدی دیگر خارج شود و هنگام خروج بگوید: بِاسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (به نام الله، به الله ایمان آوردم، به الله تمسک جستیم، به الله توکل کردم، نیرو و توانی نیست مگر با [یاری] الله) مگر آنکه خیر آن بیرون رفتن را به دست می آورد و از شر آن دور می ماند». به روایت احمد. در سند آن یک راوی مجهول است. و در سنن از انس - رضی الله عنه - به مانند آن به شکل مرفوع (منسوب به پیامبر صلی الله علیه وسلم) روایت شده و در آن آمده است: «به او گفته می شود: هدایت شدی و کفایت شدی و حفاظت شدی، و شیطان از او دور می شود». ترمذی می گوید: این حدیثی است حسن. آلبانی آن را صحیح می داند. ۲- و از ام سلمه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم از خانه من بیرون نمی رفت مگر آنکه چشمانش را به آسمان می دوخت و می فرمود: «بارالها به تو پناه می برم از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، یا بلغزانم یا دچار لغزش شوم، یا ظلم کنم یا مورد ستم قرار گیرم، یا جهالت ورزم یا مورد جهالت قرار گیرم». به روایت ابوداود - و این لفظ اوست - و نسائی و ابن ماجه و ترمذی. وی می گوید: این حدیث صحیح است. ۳- و در صحیح مسلم از ابن عباس - رضی الله عنهما - در یکی از روایاتش آمده که هنگامی که شب را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم گذارند، مؤذن اذان گفت پس به نماز بیرون رفت در حالی که می فرمود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا، وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا، وَمِنْ أَمَامِي نُورًا، وَاجْعَلْ مِنْ قُدْرِي نُورًا، وَمِنْ تَحْتِي نُورًا، اللَّهُمَّ اعْطِنِي نُورًا» (بارالها در دلم نوری قرار ده، و در زبانم نوری قرار ده، و در گوشم نوری قرار ده، و در بینایی ام نوری قرار ده، و از پشت سرم نوری قرار ده، و در برابرم نوری قرار ده، و از بالای سرم نوری قرار ده، و از زیر پایم نوری قرار ده، بارالها برایم نوری قرار ده).

هنگام وارد شدن به منزل:

۱- از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه شخص به خانه اش وارد شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَجَنَّا، وَيَا سَمَّ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا» (بارالها من از تو خیر وارد شدن و خیر خارج شدن را خواهم. به نام الله وارد شدیم و به نام الله بیرون رفتیم و بر الله پروردگاران توکل کردیم). به روایت ابوداود با سند صحیح. ۲- و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «هرگاه مرد وارد خانه اش شود و الله را هنگام وارد شدن و هنگام غذا خوردن یاد کند، شیطان می گوید: امشب اینجا جای خواب و غذا ندارید، و چون وارد شود و ذکر الله را هنگام وارد شدن نگوید، شیطان می گوید: شب را در اینجا مانندید و چون هنگام غذا یاد الله نگوید، می گوید: هم شب را اینجا مانندید و هم شام را». مسلم آن را روایت کرده است. هنگا وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن:

۱- از ابوحمید یا ابواسد - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای) و چون خارج شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِ تَوْ خِوَاهِنَم)». به روایت مسلم و ابوداود و ابن ماجه. ابوداود و ابن ماجه همچنین افزوده اند: «هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام فرستد و سپس بگوید...» و ادامه حدیث پیشین را آورده اند.

ابوعوانه نیز این روایت را آورده و سلام را هنگام خارج شدن نیز افزوده است. آلبانی می گوید: سند آن حسن یا صحیح است.

ابن ماجه از ابوهریره رضی الله عنه آورده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند... و مانند روایت پیشین را آورده جز آنکه برای هنگام خروج گفته است: «پس بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام فرستد و بگوید: اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (بارالها مرا از شیطان رجیم در امان بدار).

و نزد او از فاطمه - رضی الله عنها - اضافه بر آن بسم الله به هنگام وارد شدن و خارج شدن آمده است.

و نزد ترمذی درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم و سلام بر ایشان اضافه بر موارد پیشین روایت شده است.

۲- و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه وارد مسجد می شد می فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (پناه می برم به الله بزرگ و ذات بخشنده و سخاوتمند و قدرت ازلی و ابدی اش از شر شیطان رانده شده) فرمود: «چون چنین بگوید شیطان می گوید: در ادامه روز از من در امان شد». به روایت ابوداود. نووی می گوید: سند آن خوب (جید) است. ۳- ابن سنی از ابوامامه - رضی الله عنه - به شکل مرفوع روایت کرده که هنگام خروج از مسجد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ» (بارالها از شیطان و لشکریانش به تو پناه می آورم).

فصل پنجم: اذکار عبادات

نوع اول: اذکار وضو:

در آغاز وضو:

می گوید: «بسم الله» به دلیل حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که اسم الله را هنگام وضو نبرد وضو ندارد». به روایت ابوداود و دیگران با سند ضعیف. امام احمد رحمه الله می گوید: در این باب چیزی ثابت نیست. و در پایانش:

از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که وضو سازد و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هر هشت در بهشت برایش گشوده می شود که از هر کدام بخواهد وارد شود». به روایت مسلم و ترمذی. ترمذی افزوده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» (خداوندا مرا از جمله توبه کنندگان و از جمله پاکیزگان قرار ده).

نوع دوم: اذکار نماز:

اذان و اقامه:

از ابومحزوره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این اذان را به ایشان یاد دادند: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (دو بار) أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (دو بار) سپس شهادتین را دوبار تکرار می کند، سپس حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ (هر کدام دو بار)، الله أَكْبَرُ، الله أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. مسلم آن را روایت کرده است.

و نسائی این روایت را از ابن وجه آورده و تکبیر نخست را چهار بار گفته است.

و در حیث عبدالله بن زید بن عبدربه - رضی الله عنه - آمده که مردی در رویا اذان را به او یاد داد که تکبیر در آغازش چهار بار بود و بقیه آن دوبار دوبار بود و در پایان آن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بود و اقامه را چنین ذکر کرد که در آغاز دو الله اکبر دارد و در پایش «فَقَدَّ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفت و بقیه اش به صورت مفرد بود. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این بی شک رویای حق است» به روایت احمد و ابن حدیثی صحیح است. و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می گوید را بگوئید، سپس بر من درود بفرستید، زیرا هر که بر من یک درود بفرستد الله بر او ده درود خواهد فرستاد، سپس از الله برای من «وسیله» را بخواهید؛ زیرا آن منزلتی است در بهشت که تنها شایسته یکی از بندگان الله است و امیدوارم من آن [بند] باشم، پس هر که برای من وسیله بخواهد شفاعت بهره او می شود.» به روایت مسلم و اصحاب سنن به جز ابن ماجه و از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه مؤذن الله اکبر الله اکبر گفت، و یکی از شما [نیز در پاسخش] از دلش الله اکبر الله اکبر گفت - سپس بقیه اذان را همانند آن ذکر کرد به جز دو حی علی که در پاسخش لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ می گوید - به بهشت داخل شود.» مسلم آن را روایت کرده است. و از جابر - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدُّعْوَةُ النَّامِيَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، أَنْتَ مُحَمَّدٌ الْوَسِيْلَةُ وَالْفَضِيْلَةُ، وَأَبْعَثَهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ» (پروردگارا، ای صاحب این دعوت کامل (اذان) و نمازی که هم اکنون برگزار می شود، به محمد صلی الله علیه وسلم وسیله (درجه ای است در بهشت) و فضیلت عنایت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود (شفاعت) برسان) شفاعت من در روز قیامت برای او حاصل می شود.» بخاری آن را روایت کرده است.

و نسائی از همین وجه این حدیث را با لفظ «المقام المحمود» روایت کرده است.

و بیهقی این را نیز افزوده است: «إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيْعَادَ».

و از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا» گناهی برای او آمرزیده می شود.» مسلم آن را روایت کرده است.

و در روایتی نزد مسلم آمده که: «و من گواهی می دهم».

دعا استفتاح (آغاز نماز):

۱- از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بین تکبیر [احرام] و قرانت [سوره حمد] می فرمود: «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَفِّیْ مِنْ خَطَايَايَ كَمَا نَفَّيْتَ مِنَ الثُّوبِ الْأَبْيَضِ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالطَّلْحِ وَالْمَاءِ وَالْبَرَدِ» (خداوند میان من و گناهانم فاصله انداز چنانکه میان مشرق و مغرب فاصله انداخته ای، خداوند مرا از گناهانم بشوی چنانکه لباس سفید از چرک پاک می شود، خداوند مرا با برف و تگرگ از گناهانم پاک کن). بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند. ۲- و از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه می خواست نمازش را استفتاح کند تکبیر می گفت، سپس می فرمود: «وَجْهْتُ وَجْهِي لِذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ - و در روایتی دیگر: وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي، فَأَعْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَاتِي، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَاتِي إِلَّا أَنْتَ، لَيْتَنِيكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» (من چهره ام را به سوی ذاتی متوجه کرده ام که آسمان ها و زمین را آفرید؛ درحالی که من از باطل روی گردان شده و به سوی حق آمده ام و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی و مرگ از آن پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. دستور یافته ام که چنین کنم و من نخستین فرمانبرداران هستم - و در روایتی دیگر: من از فرمانبرداران می باشم - پروردگارا، تویی پادشاه، به جز تو معبودی [به حق] وجود ندارد. تو پروردگار من هستی و من بنده تو هستم. بر خود ظلم کردم و به گناهانم اعتراف نمودم؛ همه گناهانم را ببخشای، همانا به جز تو کسی گناهانم را نمی آمرزد. الهی، مرا به نیکوترین اخلاق و خصلت ها رهنمون فرما، همانا جز تو کسی نیست که مرا به سوی آنها هدایت کند. الهی، خصلت های بد را از من دور گردان؛ زیرا جز تو کسی نیست که آنها را از من دور گرداند. من در بارگاهت حاضرم و برای اطاعت از تو آماده ام. هرگونه خیر و نیکی در اختیار توست؛ بدی را به سوی تو راهی نیست. الهی، من به لطف تو موجودم و به سوی تو متوجه ام؛ تو بسیار با برکت و برتر هستی؛ از تو آمرزش می خواهم و در بارگاه تو توبه می کنم). به روایت مسلم و ابوداؤد و نسائی.

و در روایتی نزد ابوداؤد آمده است: «هرگاه برای نماز فرض برمی خاستند».

۳- و از عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه نماز را آغاز می کردند، می گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» (تنزیه و ستایش تو را می گویم. نامت خجسته است و کبریا و عظمت تو والاست و معبودی به حق جز تو نیست). به روایت ابوداؤد. در سند آن ضعف است.

اما نزد مسلم از عبده از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - آمده که ایشان این کلمات را با صدای بلند می گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ... تا پایان دعا» و عبده - رحمه الله - از عمر - رضی الله عنه نشنیده، بنابراین این روایت منقطع است.

۴- و عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که برای نماز شب برمی خاستند نماز خود را با این دعا شروع می کردند: «اللَّهُمَّ رَبِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (پروردگارا، ای رب جبرائیل و میکائیل و اسرافیل، ای آفریدگار آسمان ها و زمین، ای آگاه بر پیدا و پنهان، تو میان بندگان در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما، تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی). مسلم آن را روایت کرده است. ۵- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه در دل شب برای نماز برمی خاست می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيَّامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - و در روایتی: قَيِّمٌ - وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَالْحَقُّ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ أَمَنْتُ، وَبِكَ أَوْتَيْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَأَعْرِ لِي مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ، وَأَسْرَزْتُ وَأَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (بارالها، ستایش از آن توست، تو نور آسمان ها و زمینی، و ستایش از آن توست، تو برپا دارنده آسمان ها و زمینی، و ستایش از آن توست، تو پروردگار آسمان ها و زمینی و هر آنکه در آنهاست، تو حقی و وعده ات حق است و سخنت حق است و دیدارت حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و قیامت حق است. الها تسلیم تو شدم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و به سوی تو انابت نمودم و با [ادله و براهینی که] تو [عطا کردی با کافران و معاندان] جدل نمودم و به سوی تو داوری آوردم، پس آنچه از [گناهان] که از پیش انجام دادم و آنچه در آینده مرتکب می شوم و آنچه پنهان نمودم و آنچه آشکار ساختم را بیامرزم، تو معبود منی، معبودی [به حق] جز تو نیست). به روایت مسلم و ابوداؤد.

و در روایتی نزد ابوداود آمده که: در تهجد پس از گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» چنین می گفت، سپس همین روایت را آورده است. نزد بخاری در برخی از روایاتش «و من فیهن» در جمله اول و دوم پس از آسمان ها و زمین نیز آمده است، همچنین پس از «وَالنَّارُ حَقٌّ» آمده که: «وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقٌّ».

ذکر رکوع:

۱- و از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: وقتی که «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» [سوره واقعه: ۷۴] بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شد فرمود: «این را در رکوع خود قرار دهید». به روایت احمد و ابوداود و ابن ماجه ۲- و از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار در رکوع و سجودشان می گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» و اینگونه به دستور الله متعال در قرآن کریم عمل می نمود. متفق علیه ۳- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اما در رکوع، پروردگار را به عظمت یاد کنید». به روایت احمد و مسلم ۴- و از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکوع و سجده خود می گفتند: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» (بسیار پاک از عیوب و منزله است، پروردگار ملائکه و جبرئیل است). به روایت احمد و مسلم ۵- و از علی - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام رکوع می فرمودند: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَكَأَنَّكَ لَمْ تَخْشَعْ لَكَ سَمْعِي، وَبَصْرِي، وَمَخِي، وَعَظْمِي، وَعَصْبِي» (الها برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. شنوایی ام و بینایی ام و مغز [یا مغز استخوانم] و استخوانم و عصبم [رباط هایم] در برابر تو خاشع شد). مسلم آن را روایت کرده است. ۶- و از عوف بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شبی همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم [به نماز] ایستادم پس به اندازه قیامش به رکوع رفت و در رکوعش می فرمود: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ، وَالْمَلَكُوتِ، وَالْكِبْرِيَاءِ، وَالْعَظَمَةِ» سپس در سجده اش همانند آن را فرمود. به روایت ابوداود و نسائی.

ذکر پس از رکوع:

۱- از عبدالله بن ابی اوفی - رضی الله عنه - روایت است که گفت: هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم از رکوع برمی خاست می فرمود: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ» (الله صدای آنکه او را ستایش کرد شنید، الها و پروردگار ما ستایش تو راست به پری آسمان ها و به پری زمین و به پری هر آنچه بخواهی). مسلم آن را روایت کرده است. ۲- و نزد مسلم از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - به همانند آن آمده و در آن این اضافه آمده که: «أَهْلُ النَّوَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدًا، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يُنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» (او اهل و شایسته ثنا و عظمت است، حق ترین سخنی که بنده گفته و ما همه بنده تو هستیم [این است که] بارالها آنچه را تو عطا کنی بازدارنده ای ندارد و آنچه را تو مانع شوی عطا کننده ای ندارد و ثروت [و قدرت] صاحب [قدرت و] ثروت در برابر تو سودی ندارد). و نزد وی (مسلم) از ابن عباس - رضی الله عنهما - همانند حدیث ابوسعید - رضی الله عنه - روایت شده و در آن آمده است: «مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» (به پری آسمان ها و به پری زمین و آنچه بین آن دو هست). و نزد وی از علی - رضی الله عنه - تقریباً همانند حدیث عبدالله بن ابی اوفی - رضی الله عنه - آمده و در آن آمده است: «مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» (به پری آسمان ها و به پری زمین و به پری آنچه بین آن دو هست). ۳- و از رفاعة بن رافع - رضی الله عنه - روایت است که گفت: روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم به نماز ایستاده بودیم پس چون که سرش را از رکوع بلند کرد فرمود: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، پس مردی از پشت سر ایشان گفت: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ» (پروردگارا، ستایش تو را شایسته است، ستایشی بسیار و پاک و مبارک) پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که از هم پیشی می گیرند که کدام یک آن را بنویسند». بخاری آن را روایت کرده است. و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» می گفت، [پس از آن] می فرمود: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» (بارالها ای پروردگار ما، حمد از آن توست).

و نزد وی از ابوهریره در روایتی آمده است: سپس در حالی که برخاسته می گوید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» بدون «و» پیش از لك حمد. بنابراین، اینها چهار روش است.

اذکار سجود:

۱- قبلا حدیث عقبه بن عامر و دو حدیث از عائشه و یک حدیث از عوف بن مالک - رضی الله عنهم - گذشت.

۲- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اما در سجده برای دعا تلاش کنید که شایسته است اجابت شوید». به روایت احمد و مسلم. و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «نزدیکترین لحظه نزدیکی بندگان به پروردگارش در حالت سجده است، پس در سجده بسیار دعا کنید». ۳- و نزد وی از علی - رضی الله عنه - روایت شده که: چون به سجده می رفت می گفت: «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَكَأَنَّكَ لَمْ تَخْشَعْ لَكَ سَمْعِي، وَبَصْرِي، وَمَخِي، وَعَظْمِي، وَعَصْبِي» (بارالها به تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. چهره ام برای کسی سجده برد که آن را آفریده و صورتگری کرد و گوش و چشمانش را قرار داد. خجسته است الله، نیکوترین آفریدگاران). ۴- و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که ایشان در سجده خود می فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ، دِقَّةَ وَجْهِي، وَأَوَّلَهُ وَأَخْرَهُ، وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ» (یا الله، تمام گناهانم را ببخش و بیامرز: گناهان کوچک و بزرگ، اولین و آخرین و نهان و آشکار آن).

نمازگزار می تواند پس از دعایی که در سنت وارد شده [در سجده اش] هر دعایی را که دوست دارد بخواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به تلاش در دعا و بسیار دعا کردن در سجده نموده بدون آنکه آن را مقید [به دعا و عدد خاصی] کرده باشد.

دعای نشستن بین دو سجده:

۱- از حذیفه - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم بین دو سجده می فرمودند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». به روایت نسائی و ابن ماجه ۲- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بین دو سجده می فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وارْحَمْنِي، واجْبِرْنِي، واهدني، وارزقني» (الها مرا بیامرز، و رحمت کن، و شکستگی ام را شفا ده، و هدایت کن، و روزی ام ده). به روایت ترمذی.

ابوداود این روایت را با لفظ «وَعَافِنِي» (و مرا عافیت ده) به جای «وَأَجْبِرْنِي» آورده است.

اذکار تشهد:

۱- از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرگاه کسی از شما نماز گزارد بگوید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (همه بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است). بخاری آن را روایت کرده است.

و در روایتی: «سپس هر داعی را که دوست دارد برمی گزیند و با آن دعا می کند».

و در روایتی دیگر: «هرگاه کسی از شما در نمازش [برای تشهد] نشست، بگوید:...» و این روایت را ذکر کرده و سپس فرمود: «سپس هر سخنی را که می خواهد برمی گزیند».

و در روایتی دیگر: «از هر ثنا [و ستایشی] که خواست».

و مسلم به مانند آن را روایت کرده است.

۲- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم تشهد را به ما یاد می داد چنانکه سوره ای از قرآن را به ما یاد داد، پس می فرمود: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (همه بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد فرستاده الله است). مسلم آن را روایت کرده است. ۳- و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - در حدیثی طولانی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «و چون در نشستن [نماز] بودن نخستین سخنی که هر یک از شما می گوید این باشد: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». مسلم آن را روایت کرده است. ۴- و از کعب بن عجره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدیم که ای رسول الله، درود بر شما اهل بیت چگونه است زیرا الله به ما یاد داده که چگونه سلام بگوییم؟ فرمود: «بِغُويِي: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی. یا الله بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی). بخاری آن را روایت کرده است. ۵- و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه یکی از شما تشهد آخر را به پایان رساند از چهار چیز [به الله] پناه ببرد: از عذاب جهنم، و از عذاب قبر، و از فتنه مرگ و زندگی، و از شر فتنه مسیح دجال». مسلم آن را روایت کرده است.

و نزد نسائی نزدیک به آن آمده و افزوده است: «سپس برای خودش هر داعی که به نظرش آمد را می گوید».

و نزد مسلم از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعا را همانند سوره ای از قرآن به آنان یاد می داد و فرمود: «بِغُويِي...» و همان استعاذه های ذکر شده را بیان کرد.

۶- و از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نمازش دعا می کرد و استعاذه از آنچه گذشت را بیان نمود، و افزود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ» (بارالها از گناه و بدهکاری به تو پناه می آورم). متفق علیه. ۷- و از ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - روایت است که ایشان خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به من داعی بیاموز که در نمازم بگویم؟ فرمود: «بِغُويِي: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُورْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یا الله، من بسیار در حق خود ستم روا داشته ام، و جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد، پس مرا مغفرتی از جانب خود عطا کن و مورد رحمت قرار بده، همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی). به روایت بخاری و مسلم. ۸- و از معاذ بن جبل - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم مرا دید و فرمودند: «تو را به کلماتی توصیه می کنم که در هر نماز بگویی: اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» (بارالها، مرا بر ذکر خودت و شکر خودت و عبادت نیکویت باری ده). به روایت احمد و نسائی و ابوداود.

ذکر پس از سلام (پس از پایان نماز):

۱- از ثوبان - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه از نمازش فارغ می شد سه بار استغفار می کرد، و می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (بارالها تویی آن سلام و سلام از توست، خجسته ای، ای دارای جلال و اکرام). از اوزاعی پرسیده شد که استغفار چگونه است؟ گفت: اینکه بگویی: اَسْتَغْفِرُ الله، اَسْتَغْفِرُ الله، اَسْتَغْفِرُ الله. مسلم آن را روایت کرده است.

و نزد وی - یعنی مسلم - از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه سلام [نماز] را می گفت نمی نشست مگر به مقداری که بگوید... سپس ذکر پیشین را بیان کرد.

۲- و از مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرض می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». متفق علیه، و این لفظ بخاری است. ۳- و از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما - روایت است که وی در پی هر نمازی پس از سلام می گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ، وَلَهُ الْفَضْلُ، وَلَهُ الشَّوْءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (هیچ معبود به حقی غیر از الله یگانه و بدون شریک نیست، و اوست صاحب مُلک و ستایش، و او بر هر چیزی تواناست، قدرت و توانایی نیست مگر با کمک الله متعال و هیچ معبود به حقی نیست غیر از الله، و تنها او را عبادت می کنیم، و نعمت و فضل از آن اوست، و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبود به حقی نیست جز الله و در دین اخلاص داریم هر چند که کافران ناخوشنود باشند). و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم این تهلیل را پس از هر نمازی می گفتند. (اذکاری که شامل لا اله الا الله باشد را تهلیل گویند) مسلم آن را روایت کرده است. ۴- و در صحیحین از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به فقرای مهاجر فرمودند: «آیا چیزی را به شما یاد ندهم که با آن به کسانی که از شما جلو زده اند برسید و از آنان که پس از شما آمده اند پیشی بگیرید و کسی بهتر از شما نباشد مگر کسی که مانند شما انجام داده باشد؟» گفتند: آری یا رسول الله. فرمود: «در پی هر نمازی سی و سه بار تسبیح و تکبیر و حمد بگویند»، این لفظ بخاری است. ۵- و نزد مسلم از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که در پی هر نمازی سی و سه بار تسبیح، و سی و سه بار حمد، و سی و سه بار تکبیر گوید، این نود و نه است» و فرمود: «در تکمیل صد، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید، گناهانش آمرزیده می شود اگر چه مانند کف دریا باشد». ۶- و نزد وی از کعب بن عجره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «پس از هر نماز واجب اذکاری است که گویند - یا انجام دهند - آن ناکام و محروم نمی شود: سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله، و سی و چهار بار الله اکبر». ۷- و از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم با این کلمات پس از هر نمازی [به الله] پناه می برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرُدَّ إِلَى أَرْضِ الْعُمَرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» (ای الله من از بخل به تو پناه می آورم، و از بزدلی به تو پناه می آورم، و از اینکه در بیری به ضعف و سستی بازگردم به تو پناه می آورم و از فتنه دنیا به تو پناه می آورم و از عذاب قبر به تو پناه می آورم). بخاری آن را روایت کرده است. ۸- و از معاذ بن جبل - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمودند: «ای معاذ، به الله سوگند که تو را دوست دارم، ای معاذ توصیه ات می کنم که گفتن این ها را در پی هر نماز ترک

نکنی: اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَىٰ ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» (یا الله، یاری ام کن تا تو را ذکر کنم، سپاس بگزارم و عبادت تو را به صورتی نیکو به جای آورم). به روایت ابوداود و نسائی. نووی می گوید: سند آن صحیح است. ۹- و از عُقْبَةَ بن عامر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا امر کرد تا موعودات را در پی هر نماز بخوانم. به روایت احمد و ابوداود و ترمذی و نسائی. ابن حبان آن را صحیح می داند. ۱۰- و از مسلم بن حارث تمیمی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی به تنهایی سخن گفت و فرمود: «هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی هفت بار بگو: اللَّهُمَّ اَجِرْنِي مِنَ النَّارِ (یا الله مرا از آتش در پناه خود بدار) که اگر چنین گفتی و همان شب از دنیا رفتی برای تو پناهی از آن نوشته خواهد شد و چون نماز صبح را خواندی مانند آن بگو که اگر در آن روز از دنیا رفتی برایت پناهی از آن نوشته خواهد شد». به روایت ابوداود.

و نسایی همانند آن را روایت کرده و افزوده است: «پیش از آنکه سخنی بگویی بگو...».

۱۱- و از مُعَاذ بن جبل - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که پس از نماز صبح پیش از آنکه سخنی بگوید، ده بار بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ، به سبب آن هفت چیز به او داده خواهد شد: برایش ده نیکی نوشته خواهد شد، و ده بدی از او پاک خواهد شد، و ده درجه بر درجات او افزوده می شود و برایش همسان [آزاد کردن] ده تن خواهد بود و برای او محافظتی در برابر شیطان و پناهی در برابر بدی خواهند بود و در آن روز هیچ گناهی [اگر مرتکب گناه شود] او را نابود نخواهد ساخت مگر شرک به الله، و کسی که هنگام پایان نماز مغرب چنین بگوید در آن شب همانند آن به او داده خواهد شد». به روایت ابن ابی الدنيا و طبرانی با سند حسن و این حدیث شواهد بسیار دارد.

نوع سوم: اذکار زکات:

هنگام دادن زکات:

شخصی که زکات می دهد در هنگام دادن زکاتش می گوید: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (ای الله از من بپذیر، همانا تو شنوای دانایی). گفته شده که می گوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا مَعْتَمًا، وَلَا تَجْعَلْهَا مَعْرَمًا» (ای الله آن را باعث غنیمت بگردان نه باعث زیان)، و این حدیث ضعیف است.

هنگام گرفتن زکات:

کسی که زکات را می گیرد به زکات دهنده می گوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّكَ» (الله بر تو درود بفرستد [تو را پیامبر زد]) یا هر دعایی که مناسبت باشد زیرا الله تعالی خطاب به پیامبرش می فرماید:

{خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ} {از اموال آنان صدقه [و زکات] بگیر، تا به به وسیله آن، آنان را [از گناه] پاک گردانی و درجاتشان را بالا ببری؛ و برایشان دعا [ی مغفرت] کن} [توبه: ۱۰۳].

نوع چهارم: اذکار روزه:

ذکر هنگام افطار:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلَىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (ای الله برای تو روزه شدم و با روزی تو افطار کردم پس از من بپذیر که تو آن شنوای دانایی).

و در این باره آثار دیگری نیز آمده که سندهای همه آنها خالی از ایراد نیست اما اگر انسان آن را بگوید ایرادی ندارد.

و اگر آن روز، روزی گرم بود و پس از افطار آب نوشید بگوید: «ذَهَبَ الظَّمَأُ، وَابْتَلَّتِ العُرْوُقُ، وَتَبَّتِ الأَجْرُ إِنَّ شَاءَ اللهُ» (تشنگی رفت و رگها تر شد و پاداش آن ان شاء الله ثابت گردید).

اگر در حال روزه کسی به او ناسزا گفت یا با او درگیر شد:

سنت است که در این حال بگوید: «من روزه ام». به دلیل این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمودند: «پس اگر کسی به او دشنام داد یا با او درگیر شد، بگوید: من روزه ام».

و صحیح آن است که این را در حال روزه نافلة یا روزه فریضه، علنی بگوید و این سه فایده دارد:

- فایده نخست: بیان اینکه شخصی که ناسزا شنیده، مقابله به مثل را ترک نگفته مگر برای آنکه روزه است نه برای ناتوانی از مقابله به مثل؛ زیرا اگر از روی ناتوانی ترکش گفته باشد شاید طرف مقابل او را کوچک ببیند و این مایه ذلت او شود، اما اگر بگوید: «من روزه ام» مانند آن است که گفته باشد: از رویاری با تو عاجز نیستم ولی روزه هستم.

- فایده دوم: یادآوری طرف مقابل که روزه دار به کسی دشنام نمی گوید و چه بسا خود آن دشنام دهنده هم روزه باشد و این سخن [به شکل غیر مستقیم] حاوی نهدی او از دشنام دادن باشد.

- فایده سوم: توبیخ شخص دشنام دهنده و درگیر.

دعا در شب قدر:

مستحب است که در این شب همان دعاهایی را بگوید که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده، از جمله: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ العَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي» (یا الله تو بسیار عفو کننده ای و عفو را دوست داری، پس از من درگذر)؛ به دلیل حدیث عایشه - رضی الله عنها - که می فرماید: گفتم یا رسول الله، اگر شب قدر را درک نمودم چه دعایی کنم؟ فرمود: «بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ العَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي»، همینطور دیگر دعاهایی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده است.

و باید این را بدانیم که دعاهای وارده از ایشان بهتر و کاملتر از دعاهای مسجوع و آهنگینی است که مردم از خود می سازند.

نوع پنجم: اذکار حج:

هنگام نیت انجام مناسک:

در عمره می گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً» و در حج می گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً وَحَجًّا».

تذکر: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد احرام برای حج و عمره می کرد نمی فرمود که: اللهم اني أريد العمرة (یا الله من قصد عمره دارم) یا اللهم اني أريد الحج (یا الله من قصد حج دارم).

هنگام نیابت در حج و عمره:

بهتر آن است که وکیل نام موکل خود را با صراحت به زبان بیاورد و بگوید: «لَبَّيْكَ عن فلان» (لبیک به نیابت از فلانی) و اگر موکلش خانم بود بگوید: «لبیک عن أم فلان» یا «لبیک عن بنت فلان» و اگر با دلش نیت کند و اسم را به زبان نیاورد اشکالی ندارد.

شرط گذاشتن در احرام:

اگر کسی که قصد احرام را دارد ترس این را داشته باشد که چیزی مانع از کامل کردن مناسکش شود - این مانع هر چیزی باشد از جمله بیماری یا دیگر موانع - سنت است که هنگام نیت احرام شرط بگذارد و هنگام عقد نیت بگوید: «إِنْ حَبَسَنِي حَاسِبٌ فَمَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي» (اگر باز دارنده ای مرا باز داشت، محل حلال شدن و خارج شدن من از احرام همان جایی است که مرا باز داشته ای). زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم بر ضباعه دختر زبیر - رضی الله عنها - وارد شد و فرمود: «شاید قصد حج کرده ای؟» گفت: به الله سوگند احساس می کنم بیمارم. پس خطاب به ایشان فرمود: «حج کن و شرط بگذار. بگو: اللَّهُمَّ مَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي». اما کسی که ترس از مانعی نداشته باشد که او را از کامل کردن مناسکش باز بدارد، برای او شایسته نیست که شرط بگذارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم احرام نمودند و شرط نگذاشتند و همه را به شکل عام به شرط گذاشتن امر نکردند.

فایده شرط گذاشتن این است که اگر مانعی پیش آمد می تواند به شکل رایگان یعنی بدون دادن هدی (قربانی) از احرام خارج شود.

تلبیه (روش لیبیک گفتن):

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ رَبُّكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و پیش از لیبیک تسبیح الله را بگوید و سپس لیبیک بگوید، به این شکل: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ». امام احمد رحمه الله در مسند خود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرمود: «لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ» (لیبیک ای معبود به حق). و این عمر - رضی الله عنهما - این را می افزود که: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالرَّغْبَاءُ إِلَيْكَ وَالْعَمَلُ».

حال اگر شخص این جمله را هم به آن بفرزاید امیدوارم که از روی اقتدا به عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - ایرادی نداشته باشد، اما بهتر همان است که به آنچه از پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت شده التزام داشته باشد.

و اگر مانند دهه ذی الحجه در وقت تکبیر بود، می تواند به جای تلبیه تکبیر بگوید؛ به دلیل سخن انس - رضی الله عنه - که می گوید: همراه با پیامبر صلی الله علیه و سلم حج را به جا آوردیم، پس برخی از ما تکبیر می گفتند و برخی لیبیک.

در هنگام عمره از احرام تا ابتدای طواف، لیبیک گفتن مشروع است و در حج از احرام تا آغاز رمی جمره عقبه در روز عید.

و شایسته است که بسیار لیبیک بگوید به ویژه هنگام تغییر حال و تغییر زمان، مانند آنکه به بلندی بالا برود یا به زمین پست پایین بیاید یا هنگام شب شدن یا روز شدن و پس از آن از الله خشنودی و بهشت او را بخواهد و از آتش دوزخ به رحمت او پناه آورد.

هنگام وارد شدن به مسجد الحرام:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَبِسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله، یا الله گناهانم را ببخش، و درهای رحمت خویش را بر روی من باز کن، به الله متعال، و چهره کریمش، و سلطان قدیمش، پناه می برم از شیطان رجیم).

هنگام شروع طواف:

هنگام آغاز طواف می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ، وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (یا الله از روی ایمان به تو و تصدیق کتابت و وفای به عهدت و پیروی از سنت پیامبرت محمد صلی الله علیه و سلم).

اما در دیگر دورها هرگاه در محاذات حجر الاسود قرار گرفت با اقتدا به رسول الله صلی الله علیه و سلم تکبیر می گوید.

و از پیامبر صلی الله علیه و سلم دعای خاصی برای هر دور طواف نقل نشده است.

آنچه میان رکن یمنی و حجر الاسود گفته می شود:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دورمان بدار).

و همچنین از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده که می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ» (یا الله از تو عفو و عافیت خواهانم) اما این حدیث ضعیف است.

ذکر هنگام آمدن به مقام ابراهیم علیه الصلاة والسلام:

این آیه را می خواند که: «وَإِذَا خَرَا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنی) [البقرة: ۱۲۵].

ذکر هنگام نزدیک شدن به صفا:

می گوید: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» { [البقرة: ۱۵۸] «أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ» (با آنچه الله از آن آغاز نموده آغاز می کنم) و این آیه را در غیر این موضع نمی خواند.

ذکر بر صفا و مروه:

در حالی که دست خود را مانند بلند کردن دستان در دعا بالا گرفته تکبیر و حمد الله را سه بار به جا می آورد و آنچه را وارد شده می گوید از جمله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» سپس هر دعایی را که دوست دارد می گوید و سپس ذکر را دوباره تکرار می کند و سپس هر آنچه دوست دارد را دعا می کند سپس ذکر را برای بار سوم تکرار می کند.

ذکر در عرفه:

بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و سلم در آن موقف بزرگ این بود که می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

برای حاجی سنت است که در پایان روز عرفه برای دعا و ذکر و قرائت قرآن خود را فارغ سازد و به گفتن اذکار و دعاهای وارده از پیامبر صلی الله علیه و سلم توجه کند زیرا این از جامع ترین و سودمندترین دعاهاست.

و اگر دعاهای وارده از رسول الله صلی الله علیه و سلم را نمی دانست هر دعایی از دعاهای مباح را که می داند بگوید.

در مشعر الحرام در مُزْدَلِفَه:

توحید الله و حمد و تکبیر او را می گوید (لا اله الا الله و الحمد لله و الله اکبر) و دعا می کند و آیه [فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ] { [البقرة: ۱۹۸] به همراه آیه بعد را می خواند. درباره خواندن این دو آیه چیزی را در سنت سراغ ندارم اما مناسب است، زیرا انسان با خواندن آن امر الله در کتابش را به خود یادآوری می کند.

ذکر به هنگام رمی جمرات:

گفتن «الله اکبر» همراه با پرتاب کردن هر سنگریزه.

صیغه های تکبیر در ایام عید:

- نخست: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، والله أكبر، والله الحمد».
- دوم: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، الله أكبر، والله الحمد».
- سوم: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، الله أكبر، والله الحمد».

آنچه هنگام نحر یا ذبح کردن قربانی گفته می شود:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، «اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَلَكَ» (یا الله، این از سوی تو و برای توست)، «منك» یعنی: این بخشش و رزقی از سوی توست و «لك» یعنی از روی عبادت و شرع و اخلاص.
و شایسته است که بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ هَذَا عَنِّي وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِي» (یا الله از من بپذیر، یا الله این از سوی من و خانواده من است).

فصل ششم:

اذکار عارضه (برای اموری که در شرایط خاص پیش می آید)

۱- ذکر استخاره:

از جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم استخاره در همه امور را همانند سوره ای از قرآن به ما یاد می داد، پس می فرمود: هنگامی که هر یک از شما قصد انجام کاری کرد، دو رکعت نماز به جز نماز فرض بخواند و سپس بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَفِيرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ - اینجا حاجت خود را می گوید - خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - یا فرمود عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - یا فرمود: عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ». (بار الها، از علم تو طلب خیر می کنم و از قدرت تو توانایی می جویم و از تو خواهان فضل و بخشش بی کرانت هستم. به یقین، تو توانایی و من ناتوانم؛ و تو می دانی و من نمی دانم و تو دانای اسراری. یا الله، اگر این کار را به خیر دین، دنیا و فرجام کارم می دانی، آن را برای من ممکن و آسان بگردان. و اگر آن را برای دین، دنیا و عاقبت کارم زیان بار می دانی، آن را از من دور کن و مرا از انجامش منصرف بگردان و خیر را هر جا که هست، برایم مقدر بفرما و آنگاه مرا بدان خشنود کن.) بخاری آن را روایت کرده است. استخاره سنت است، پس هرگاه خواست کاری را انجام دهد اما ندانست که انجام آن کار بهتر است یا انجام ندادنش، استخاره می کند، اما آنچه برایش واضح بود که انجام دادن یا انجام ندادنش بهتر است، در این حالت استخاره برایش مشروع نیست، برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم کارهای بسیاری انجام داده اند اما نقل نشده که [برای همه این کارها] استخاره کرده باشند.

۲- اذکار سفر:

الف- چون پای خود را بر مرکب نهاد بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ»، و چون سوار شد و مستقر شد نعمت الله را که این مرکب را برای او فراهم ساخته به یاد بیاورد و سپس بگوید: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالنَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْتَظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ» (پاک و منزّه است کسی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاه پروردگاران بازمی گردیم. یا الله، ما در این سفر از تو نیکی و پرهیزگاری و عملی که می پسندی درخواست می کنیم. یا الله، این سفر را بر ما آسان بگردان و دوری راه را برای ما کوتاه بفرما. یا الله، تو همراه و یاورم در سفر و جانشینم در خانواده ام هستی. یا الله، از سختی های سفر و دیدن مناظر غم انگیز و پیش آمدهای ناگوار در مال و خانواده و فرزند به تو پناه می آورم.) و چون از سفر بازگردد همین را بگوید و این را بیفزاید: «أَيُّوبُ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ» (ما درحالی باز می گردیم که توبه کنندگان، عبادت گزاران و ستایش گران پروردگاران هستیم).

ب- و از عبدالله بن سرجس - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه به سفر می رفتند از سختی های سفر و از پیش آمدهای و تغییرات غم انگیز و از کاستی [و خواری] پس از فزونی [و ارجمندی] و نیز از دعای ستم دیده و از دیدن مناظر غم انگیز [و پیش آمدهای ناگوار] در مال و خانواده [به الله] پناه می بُرد. به روایت مسلم.

ج- و شایسته است که هنگام بالا رفتن از مکانهای بلند تکبیر بگوید و هرگاه به مکانی پست پایین می آید تسبیح بگوید؛ به دلیل سخن جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - که می گفت: هرگاه [به بلندی] صعود می کردیم تکبیر می گفتیم و هر گاه [به پستی] پایین می آمدیم تسبیح می گفتیم. و همینطور در هواپیما، هرگاه که ارتفاع گرفت تکبیر بگوید و هرگاه در فرودگاه فرود آمد تسبیح بگوید.

توجه و دلیل این دعا این است که انسان هرگاه خود را در مکان بالایی ببیند شاید خود را بزرگ ببیند، پس «الله اکبر» (الله بزرگتر است) می گوید، یعنی خود را در برابر کبریای الله عزوجل کوچک می شمارد.

اما وقتی به محلی پست پایین می آید می گوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» یعنی الله سبحانه و تعالی را از پستی و پایین بود پاک می دارم.

د- و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هر بار که از گردنه یا زمین سخت و بلندی بالا می رفت، سه بار تکبیر می گفت و می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَتَجَرَّ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَدُوَّهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» (هیچ معبود برحق جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد؛ فرمان روایی و حمد و ستایش ویژه اوست و بر هر چیزی تواناست. ما باز می گردیم و توبه کنندگان، عبادت گزاران و ستایش گران پروردگاران هستیم. الله به وعده اش وفا کرد و به بنده اش یاری رساند و به تنهایی همه گروه ها [ی کفر] را شکست داد.) متفق علیه.

و در روایتی نزد مسلم آمده که: هرگاه از لشکرها یا سرایا یا حج یا عمره برمی گشت چنین می گفت.

۳- اذکار سوار شدن بر مرکب:

از علی بن ربیعہ روایت است که گفت: شاهد علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - بودم که برایشان مرکبی آوردند تا سوار آن شود، پس چون پای خود را در رکاب گذاشت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» و چون بر پشت مرکب قرار گرفت فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» سپس فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا، وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (پاک و منزّه است کسی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاه پروردگاران بازمی گردیم) سپس سه بار الحمد لله گفت، سپس سه بار الله اکبر گفت، سپس فرمود: «سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (پاک و منزّهی پروردگارا، من در حق خود ستم ورزیدم پس مرا ببامرز که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.) سپس خندید. گفتند: ای امیر مؤمنان، از چه چیزی خندیدید؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که مانند این کارهای مرا انجام دادند و سپس

خندیدند، گفتم: یا رسول الله، از چه چیزی خندیدید؟ فرمودند: «پروردگار تو به شگفت می آید که بنده اش می گوید: مرا بیماری؛ در حالی که خود می داند کسی جز من گناهان را نمی آرزود». به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن است، و در برخی از نسخه ها [ی ترمذی] آمده است: حسن صحیح است. و این لفظ ابوداود است.

۴- انکار پیاده شده در توففگاه:

الف- از خوله بنت حکیم - رضی الله عنها - روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی در مکانی اتراق کرد، و گفت: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (پناه می برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده است)، تا زمانی که او در این مکان اتراق دارد، هیچ چیز به او زیانی نمی رساند. مسلم آن را روایت کرده است. ب- و از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه به سفر می رفتند و شب می شد می فرمود: «يَا أَرْضُ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ عَيْبُكَ، وَأَعُوذُ بِاللهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدٍ، وَمِنْ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ، وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ، وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وُلِدَ» (ای زمین، پروردگار من و تو الله است، از شر تو و شر آنچه در تو هست و شر آنچه در تو آفریده شده و از شر آنچه بر تو می جنبد به الله پناه می برم، و پناه می برم به الله از شیر و شیران و از مار و عقرب و از [جنیان] ساکن این سرزمین و از والد و آنچه زاده).

۵- ذکر هنگام وارد شدن به شهر یا سرزمین خود:

الف- از صهیب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم شهری را که قصد وارد شدن به آن داشت نمی دید مگر آنکه وقتی آن را می دید می فرمود: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّنَّ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَنَّ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّنَّ، وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا دَرَّيْنِ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرِ أَهْلِهَا، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا» (بار الها ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هر چه بر آن سایه انداخته اند، و پروردگار هفت زمین و هر آنچه بر خود دارند، و پروردگار شیاطین و آنچه همراه می سازند، و پروردگار بادها و آنچه پراکنده می سازند، ما از تو خیر این آبادی و خیر اهالی آن را خواهیم و از شر آن و شر مردمانش و شر آنچه در آن است به تو پناه می بریم). به روایت نسائی. ۲- و از انس - رضی الله عنه - روایت است که گفت: با رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدیم تا آنکه به نزدیکی مدینه رسیدیم، پس ایشان فرمودند: «أَيُّونَ، تَأَيُّبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ» و همین را می گفت تا آنکه به مدینه رسیدیم. به روایت مسلم. ۳- پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد ورود به شهری را داشتند می فرمود: «بارها ما را به نزد مردمان آنجا محبوب بگردان و مردمان نیکوکار آن را به نزد ما محبوب بگردان»، و این حدیث ضعیف است.

۶- ذکر رویت هلال:

از طلحه بن عبیدالله - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چون هلال [ماه جدید] را می دیدند می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالٌ رُشِدٌ وَخَيْرٌ» (یا الله، این ماه را با امنیت و ایمان و اسلام و سلامتی بر ما نو بفرما. پروردگار من و تو الله است؛ امید است که ماه نو، ماه رشد و نیکی باشد). به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن است.

۷- هنگام وزیدن باد:

از عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه باد می وزید می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا، وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» (یا الله، خیر این باد و نیز خیر آنچه در آن است و خیر و منفعتی را که به خاطر آن فرستاده شده از تو می خواهم و از شر این باد و شر آنچه در آن است و نیز از شری که به خاطر آن فرستاده شده، به تو پناه می برم). مسلم آن را روایت کرده است.

۸- هنگام رعد:

الف - از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه صدای رعد و صاعقه را می شنیدند می فرمودند: «اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِعَصَبِكَ، وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ، وَعَافِنَا قَبْلَ ذَلِكَ» (ای الله، ما را با خشم خود نکش و با عذابت هلاک نکن و پیش از آن عافیت عطا کن). ب- و از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما - ماثور است که وی در این هنگام می گفت: «سُبْحَانَ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ» (پاک و منزّه است آنکه رعد به ستایش او تسبیح می گوید و ملائکه از ترس او).

۹- هنگام شدید شدن باران:

از انس - رضی الله عنه - روایت است که گفت:

مردی روز جمعه وارد مسجد شد در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاده و برای مردم خطبه می گفتند، پس گفت: یا رسول الله، اموال از بین رفت و راه ها بسته شده، پس از الله بخواه که بر ما باران بباراند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم دستانش را بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ اغْنِنَّا، اللَّهُمَّ اغْنِنَّا، اللَّهُمَّ اغْنِنَّا» (یا الله به ما باران عطا کن، یا الله به ما باران عطا کن، یا الله به ما باران عطا کن).

انس می گوید: به الله سوگند در آسمان نه ابری می دیدیم و نه تکه کوچکی ابر، حال آنکه میان ما و کوه سلع خانه کوچک و بزرگی نبود، پس از پشت آن ابری همانند سپر ظاهر شد،

و چون به میانه آسمان رسید [به اطراف] پراکنده شد و سپس باریدن شروع کرد پس به الله سوگند که یک هفته خورشید را ندیدیم،

سپس در جمعه بعد مردی از همان در وارد [مسجد] شد در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطبه می گفت، پس رو به ایشان ایستاد و گفت:

یا رسول الله، اموال از بین رفت و راه ها بسته شد، پس دعا کن که الله آن را از ما باز بدارد،

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم دستانشان را بلند کردند و فرمودند:

«یا الله بر اطراف ما و نه بر ما، یا الله بر بلندی ها و تپه ها و دل دره ها و محل رویش درختان».

می گوید: پس باران قطع شد و بیرون رفتیم و زیر آفتاب قدم زدیم.

*

فصل هفتم:

درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم

فضیلت درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم:

الله تعالی می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} {الله و ملائکه او بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید بر وی درود و سلام فرستید} [احزاب: ۵۶]. و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی بر من یک صلوات بفرستد، الله بر او ده صلوات می فرستد». مسلم آن را روایت کرده است. از

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خاص ترین مردم و نزدیک ترین آنان به من در روز قیامت کسی است که بیشتر بر من درود فرستاده باشد». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن است. و از اوس بن اوس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روز جمعه از بهترین روزهای شماسنت، پس در آن بر من بسیار درود بفرستید زیرا درود شما بر من عرضه می شود». گفتند: یا رسول الله، چگونه درود ما بر شما عرضه می شود حال آنکه [بدن] شما پوسیده است؟ فرمود: «الله بدن انبیا را بر زمین حرام کرده است». به روایت ابوداؤد با سند صحیح. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آرامگاه من را عیدگاه نکنید، و بر من صلوات بفرستید، زیرا هر کجا که باشید صلوات شما به من خواهد رسید». به روایت ابوداؤد با سند صحیح. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی نیست که بر من سلام بفرستد، مگر اینکه الله متعال روح را به من باز می گرداند تا جواب سلامش را بدهم». به روایت ابوداؤد با سند صحیح. و از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بخیل آن است که هرگاه من نزد او یاد شوم بر من درود نفرستد». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن صحیح است. و از فضالة بن عبید - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردی در نمازش در حال دعاست بدون آنکه تمجید و بزرگداشت الله را بگوید و بدون آنکه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد، پس فرمودند: «این عجله کرد». سپس او را فرا خواند و به او یا به دیگری فرمود: «هرگاه کسی از شما نماز گزارد با تمجید پروردگارش عزوجل و ثنای او آغاز کند سپس بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود فرستد سپس هر دعایی را که می خواهد بگوید». به روایت ابوداؤد و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن صحیح است. و از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت است که گفت: گفتیم: یا رسول الله من بسیار بر تو درود می فرستم، پس چه مقدار از دعایم را خاص تو گردانم؟ فرمود: «هر چه می خواهی» گفتیم: یک چهارم؟ فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر قرار دهی برایت بهتر است» گفتیم: نصف، فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتیم: پس دو سوم؟ فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتیم: همه دعایم را برای تو قرار می دهم. فرمود: «در این صورت نگرانی ات را برطرف می سازد و گناهت را برایت می آمرزد».

و اگر انسان هر دعایی را که می کند همراه با آن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرستد بی شک این باعث از بین رفتن نگرانی اش و آمرزش گناهانش می شود چنانکه در حدیث آمده است.

و درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در برخی مواضع واجب است، از جمله:

۱- اگر نام ایشان برده شد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «خوار و زیون باد کسی که نام من نزدش برده شود و بر من درود نفرستد». ۲- در تشهد پایانی در نماز که این نزد بسیاری از علما رکن نماز است و نماز بدون آن درست نیست، و نزد برخی دیگر سنت است و نزد برخی دیگر واجب است، اما احتیاط آن است که انسان آن را در نمازش ترک نکند.

صیغه های وارده برای درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم:

۱- از کعب بن عجره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزد ما آمد پس گفتیم: یا رسول الله، ما دانستیم که چگونه بر شما سلام گوئیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمودند: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ آلِ إِبرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله، بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی، و ای الله بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی). متفق علیه. ۲- و از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به نزد ما آمد در حالی که در مجلس سعد بن عباده - رضی الله عنه - بودیم، پس بشیر بن سعد گفت: الله ما را امر کرده که بر تو ای رسول الله درود بفرستیم، پس چگونه باید بر شما درود بفرستیم؟ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم ساکت شدند تا جایی که آرزو کردیم کاش از او نپرسیده بود، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ آلِ إِبرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ آلِ إِبرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله، بر محمد درود فرست و بر آل محمد درود بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم درود فرستادی، و بر محمد و بر آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم در میان جهانیان برکت فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی) و سلام، چنان است که دانسته اید. مسلم آن را روایت کرده است. ۳- و از ابوحمید ساعدی - رضی الله عنه - روایت است که گفت: گفتند یا رسول الله، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارَكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ آلِ إِبرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ آلِ إِبرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله، بر محمد درود بفرست و بر آل ابراهیم برکت بفرست و بر همسران و ذریه او چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و بر همسران و ذریه اش برکت ارزانی دار چنانکه بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و بسیار بلند مرتبه ای). متفق علیه. «یا الله بر محمد صلوات بفرست» یعنی: یا الله او در ملا اعلی ثنا بگو، یعنی: او را با صفات پسندیده یاد کن، و ملا اعلی یعنی ملانکه، پس چون گفتی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» انگار گفته ای: پروردگارا او را با صفات نیکو توصیف کن و نزد ملانکه یاد کن تا محبتشان به او بیشتر شود و ثوابش اینگونه افزون گردد.

و الله داناتر است و ستایش الله را که نیکی ها با نعمت او کمال می یابد و صلی الله و سلم و بارک علی عبده و رسوله نبینا محمد و علی آله و أصحابه و من تبعهم باحسان إلى يوم الدين.

فصل اول:

فضل ذکر الله تعالى به شکل مطلق

فصل دوم:

درباره اذکار مقید به عدد

فصل سوم:

درباره ذکر های صبح و شام

فصل چهارم:

درباره ذکر مقید به یک حالت خاص

فصل پنجم:

اذکار عبادات

فصل ششم:

اذکار عارضه (برای اموری که در شرایط خاص پیش می آید)

فصل هفتم:

درد بر پیامبر صلی الله علیه و سلم